

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ی مبارکه ی همزه

استاد ضرابی

جلسه سوم ۲۷ / ۸ / ۹۹

آیات شریفه: «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)» - آنکه که مالی گرد آورده، بر می‌شمارد (۲) می‌پندارد که مالش او را جاوید کرده است (۳)»

عنوان: ارتباط آیات

اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که: ارتباط این آیه شریفه با اولین آیه «وَلِكُلِّ هَمَزَةٍ لِمِزَةٍ» در چیست؟ بنظر می‌رسد کسی که دچار سقوط روحی و اخلاقی می‌شود بدلیل آن است که باورها و نگاهش به زندگی، چنین اقتضایی دارد. و باید ریشه‌ای علاج شود. بنابراین در این سوره باورهای غلط و چگونگی پدید آمدن آن و سپس راه درمان این بیماری روحی را بیان می‌دارد

همانطور که مشاهده می‌کنید اول ناهنجاری اخلاقی و رفتاری در آیه اول مطرح شده و در آیه دوم سخن از تکرار فعلی غلط بعنوان راه پدید آمدن باورهای غلط به میان آمده و در آیه سوم اعتقاد و باور غلطی را که در وجود فرد شکل گرفته، بیان نموده است

بدگویی و عیبجویی که برای همه روشن است چگونه نا امنی و بحران و درگیری و ایجاد فتنه می‌کند، در مواردی حتی به قتل و کشتار منجر می‌شود. رابطه‌ها و پیوندها را از هم می‌گسلد و بر جای آن کینه و دشمنی می‌نشانند. این چنین ناهنجاری‌ای مانند زخمی است که چرک کرده و اگر مداوا نشود این چرک وارد خون خواهد شد و منجر به مرگ بیمار می‌شود.

در قرآن می خوانیم که: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» - آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند (زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد.) (روم/۱۰).

بیا تا جهان را به بد نسپریم به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار همان به که نیکی بود یادگار

عنوان: تأثیر ممارست و تکرار

آیه شریفه «الذی جمع مالا و عدده» همان فعلی را بیان می‌دارد که تکرارش باعث ایجاد باور غلط می‌شود. جمع مال و شمارش آن، نماینده هر چیزی از امکانات زندگانی دنیاست که برای آن بقایی نیست و انسان برای آرامش و راحت خود به آن پناه می‌برد ولی پاسخگوی نیاز ابدی او نیست. آرامشی که باید با تحصیل معرفت به خدا و جهان باقی و بدست آوردن صفات انسانی و الهی، شرافت‌ها و بزرگی‌ها حاصل شود مانند: حکمت و دانش که نور است و مانند وفا و صداقت و انصاف و عدالت و تواضع و فروتنی و معاونت در امور خیر و دستگیری از نیازمندان و غیر آن که آبادانی دنیا و آخرت را در پی دارد.

امروز تو را دسترس فردا نیست و اندیشه فردات بجز سودا نیست
ضایع مکن این دم ار دلت شیدا نیست کاین باقی عمر را بها پیدا نیست

عنوان: احوال ما چگونه است؟

کافی است از خود بپرسیم که آیا براستی تلاش بی وقفه ما از صبح تا شب برای بدست آوردن این ثروتهای معنوی است؟ اگر هریک از ما این نکته را مورد توجه قرار دهیم که با چه چیزهایی خود را به آرامش و راحت می‌رسانیم؟ پاسخ صادقانه این سؤال همان برنامه‌ای است که هر روز به آن عمل می‌کنیم.

آن یکی خر داشت و پالانش نبود یافت پالان ، گرگ خر را در ربود

کوزه بودش ، آب می نامد به دست آب را چون یافت، خود کوزه شکست

مؤمنین کسانی هستند که با هدر رفتن اوقات خود بدون تحصیل حکمت و دانش، بسیار هراسان و نگران می‌شوند و اگر روزی بگذرد که باری از دوش نیازمندان بر نداشته باشند و یا تلاشی برای رفع مشکلات دیگران برنداشته باشند احساس خسارت می‌کنند و چنین‌اند که اگر خدایی ناکرده از دست و زبان آنها آزاری به کسی رسیده باشد تا جبران نکنند و تحصیل رضایت نکنند آسوده نمی‌شوند.

«إِلٰهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْأَلُكَ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَ إِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ -خدایا از نفسی که زیاد به بدی فرمان می دهد به تو شکایت می کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آزمند به انجام گناهان و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می کشاند و هستی ام را پیش تو از پست ترین تباه شدگان قرار می دهد، بیماری هایش بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزندی به او در رسد بی قراری می کند و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تندی بجانب معصیت می راند و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می کند».(الشاकिन)

عنوان : شرح حال اولیاء

بماند شرح احوال آنان که می‌اندیشند که خداوند به اندازه همه عالم امکان به آنها نعمت ارزانی داشته و هرگز نباید به کمتر از مقام خلافت الهی راضی شوند و بندگی خدا را در صورتی کامل می‌دانند که مظهر اسماء جمال و جلال او باشند و از مقام ملائکه مقرب هم فراتر رفته باشند. «إِلٰهِي ... أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ أَنْسِكَ وَ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ - خداوندا...از هر لذتی به جز ذکر تو، و از هر آسایشی جز همدمی

با تو، و از هر شادمانی به غیر قرب تو، و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می جویم» (مناجات الذاکرین)

بگذار هر چه داری و بگذر که هیچ نیست این پنج روز عمر که مرگ از قفای اوست

عنوان: اعترافی صادقانه

خلاصه آنکه ندیدن حضور خداوند و مالکیت مطلق او و غافلانه با تمتعات حیوانی روزگار گذرانیدن و مداومت بر آن «الذی جمع مالا و عدده» ما را به باور غلط اطمینان و تکیه به دارائی‌های ناپایدار دنیا کشانده. و بدون تعارف عموماً ما این مشق غلط را هر روز تکرار می‌کنیم. از این رو قدرت و قوت معنوی در خود احساس نمی‌کنیم، از عبادت لذت نمی‌بریم و از هر چیزی غیر خدا می‌ترسیم. و حوادث تلخ و شیرین دنیا ما را به بازی گرفته است و عظمت گناه در چشمان ما آنگونه نیست که باور به روز جزا و پاداش در دل ایجاد می‌کند.

کجاست آن چشم بیداری که تکیه بر دنیا را در قلب خود ببیند و کریمه «یحسب أن ماله اخذه» را با غفلت از احوال خود، به دیگران نسبت ندهد؟ بزرگترین نشان و دلیل این سخن خواب‌های آسوده ماست که شب را بی دغدغه به صبح می‌آوریم. و خبری از ناله‌های نیم شب دل‌های بیدار نداریم. دلیل آشکار آن صبح روشنی است که تا به شب در بندگی و اطاعت خدا سپری نمی‌شود...

امام صادق علیه السلام: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا - کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود، چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه دورتر می‌افتد» (الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ۷۰۵/۵۰۷)

این جهان خود، حبس جان‌های شماست هین روید آن سو که صحرای شماست

این جهان دام است و، دانه اش آرزو در گریز از دام‌ها، روی آر، زو

عنوان: پیام عام و همه شمول

اگر می‌بینی که اخلاق و رفتارت با دیگران بدتر شده و از خدا بیشتر فاصله گرفته‌ای، بخاطر آور که خداوند وعده داده است که اهل ایمان را از ظلمات بسوی نور هدایت کند، چرا که ولی و سرپرست آنهاست و آنها را که بخدا کفر می‌ورزند از نور به سوی حیرت و ضلالت و ظلمات پیش برد، بیندیش که آیا این بخاطر تمرین غلط و انس و عادت تو با امور بی‌ارزشی نیست که بقایای ندارند؟ و آیا این اشتغال مصداق «الذی جمع مالا و عدده» نیست؟ آیا این غفلت‌های فراگیر و بی‌خیالی‌هایی که در خود نسبت به سرانجام زندگی در خودت می‌بینی، دلیلی بر تطبیق کریمه «یحسب أن ماله أخله» بر احوال تو نیست؟ اگر چنین نیستی حمد و سپاس خداوند را بجا آور و خود را ایمن از دام شیطان بدان و انس خود را با جهان باقی بیشتر کن. تا مبدا داخل در جرگه کسانی شوی که خداوند در حقشان فرمود: «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ - چنین نیست (که می‌پندارید) بلکه به این دنیای زودگذر دل بسته‌اید. و آخرت را رها کرده‌اید.» (قیامت/ ۲۱ و ۲۲)

امام علی(ع) می‌فرماید: «الْدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارُ مَقَرٍّ، وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَنَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا - دنیا محل عبور است نه محل ماندن، و مردم در آن دو گروه‌اند: کسی که خود را در دنیا بفروشد دنیا اسیرش می‌کند و کسی که خود را در دنیا بخرد، دنیا آزادش می‌کند.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳)

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد که این عجز عروس هزار داماد است

نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل بنال بلبل بیدل که جای فریاد است

سفله طبع است جهان بر کرمش تکیه مکن ای جهان دیده، ثبات قدم از سفله مجوی